

ORIGINAL ARTICLE

Administrative developments in Lorestan during the Reza Shah period

Mohamadali Nemati^{1*}, Fazlollah Fouladi²

¹ PhD student of post-Islamic Iranian history, Farhangian University lecturer, Allameh Tabatabai campus, Khorramabad, Iran.

² Assistant Professor, History Education Department, Farhangian University, Allameh Tabatabai Campus, Khorramabad, Iran .

Correspondence

Mohamadali Nemati

Email: m.a.nemati1365@gmail.com

ABSTRACT

During the first Pahlavi era, Iran's administrative structure underwent a fundamental change. Reza Shah attempted to create a modern centralized government in a different way, Reza Shah, following the example of the West and with the help of some intellectuals disillusioned with the constitution, tried to establish a modern and centralized government in a new style. Due to its strategic significance, Lorestan, received special attention from his government. Lorestan was in a very chaotic state, during the rise of the first Pahlavi, it was almost completely traditional and Illyrian, and orders from the central government had no bearing there. From the time military forces first arrived in 1302 until Reza Shah's reign came to an end, The central government's initiatives to establish government departments This research seeks to answer the question of how new government departments were established in Lorestan during the Reza Shah period . A descriptive and analytical approach was used to prepare this research, which was based on library sources, newspapers, and documents. The results of this study show that in the first step, the central government gradually relocated tribes and nomads through the use of military force, and through reforms such as land division and road construction, laying the foundation for the establishment of various government departments. In the second step, departments such as the municipality, judiciary, roads and streets, and document registration were established based on wisdom of civilian rulers.

KEYWORDS

Lorestan, Reza Shah, modernization, administrative changes, tribes, and nomad.

How to cite

Nemati, M.A. & Fouladi, F. (2022). Administrative developments in Lorestan during the Reza Shah period. Iran Local Histories, 11(1), 103-116.

© 2023, by the author(s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.

This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

<https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/>

سال یازدهم، شماره یکم، پیاپی بیست و یکم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ (۱۱۶-۱۰۳)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۹

DOI: 10.30473/LHST.2023.61620.2682

تحولات اداری لرستان در دوره رضاشاه

محمدعلی نعمتی^{۱*}، فضل‌اله فولادی^۲

چکیده

تشکیلات اداری ایران در عصر پهلوی اول، به‌گونه‌ای اساسی متحول گشت. رضاشاه با الگو قرار دادن غرب و به‌کمک برخی روشنفکران سرخورده از مشروطه، برای ایجاد دولتی مدرن و تمرکزگرا، سعی در تأسیس دوایر مختلف دولتی به‌سبک نوین داشت. لرستان نیز به‌دلیل اهمیت راهبردی آن به‌طور ویژه‌ای در کانون توجهات حکومت وی قرار گرفت. اوضاع لرستان در هنگام برآمدن پهلوی اول بسیار آشفته بود و تقریباً به‌صورت کاملاً سنتی و ایللیاتی اداره می‌شد و اوامر حکومت مرکزی در این منطقه نفوذی نداشت. اقدامات دولت مرکزی برای ایجاد دوایر دولتی از ورود قوای نظامی در سال ۱۳۰۲ش. تا پایان حکومت رضاشاه به‌طول انجامید. این پژوهش در صدد پاسخ به این سوال است که ایجاد دوایر دولتی نوین در لرستان دوره رضاشاه چگونه انجام شد؟ این پژوهش با رجوع به منابع کتابخانه‌ای، روزنامه‌ها، اسناد و با رویکردی توصیفی و تحلیلی تنظیم شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در گام نخست دولت مرکزی به‌صورت تدریجی و با استفاده نیروی‌های نظامی به اسکان اجباری ایلات و عشایر پرداخته و با اصلاحاتی چون تقسیم اراضی و ایجاد راه، زمینه را برای ایجاد ادارات مختلف دولتی مهیا سازد و سپس در گام دوم و با تکیه بر درایت حاکمان غیرنظامی، اداراتی مانند: شهرداری، دادگستری، طرق و شوارع، ثبت اسناد و سایر ادارات را ایجاد کند.

واژه‌های کلیدی

لرستان، رضاشاه، مدرن‌سازی، تحولات اداری، ایلات و عشایر.

^۱ دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، مدرس دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه طباطبایی، خرم‌آباد، ایران
^۲ فضل‌اله فولادی (استادیار گروه آموزش تاریخ دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه طباطبایی، خرم‌آباد، ایران

نویسنده مسئول:

محمدعلی نعمتی

رایانامه: m.a.nemati1365@gmail.com

استناد به این مقاله:

نعمتی، محمدعلی و فولادی، فضل‌اله (۱۴۰۱). تحولات اداری لرستان در دوره رضاشاه. فصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، (۱۱۱)، ۱۱۶-۱۰۳.

مقدمه

عصر رضاشاه، دوره‌گذار از شیوه سنتی اداره کشور به شکل نوین آن بر طبق معیارهای کشورهای اروپایی بود. نظام اداری هر کشور ابزار لازم برای اداره و کنترل صحیح اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و نیز آینده‌ای تمام‌نما از تحولات یک کشور است. در عصر قاجار علی‌رغم اصلاحاتی که پیش از نهضت مشروطه انجام گرفت، ساختار اداری کشور همچنان به صورت سنتی و توسط شاهزادگان و اشراف اداره می‌شد. در نظام اداری این دوره بسیاری از مناصب دولتی به صورت موروثی و یا اجاره‌دادن به افراد بود. بعد از مشروطه نیز به‌رغم تلاش برخی از رجال سیاسی و روشنفکران اصلاحات اداری در ایران تا هنگام روی کار آمدن رضاشاه به تأخیر افتاد. با روی کار آمدن رضاشاه، مهم‌ترین شاخصه در تشکیل کشور مدرن، ایجاد ساختار و مناصب اداری بود. ارکان قدرت رضاشاه برای اصلاحات مورد نظرش به ترتیب ارتش، بوروکراسی اداری و دربار بود.

لرستان نیز از جمله مناطقی بود که در دوره رضاشاه به جهت اصلاحات اداری مورد توجه قرار گرفت. لرستان با توجه به موقعیت راهبردی می‌بایست هرچه زودتر در ساختار اداری و متمرکز کشور ادغام شود. در این دوره بیشتر جمعیت منطقه به صورت کوچ‌نشین و سنتی زندگی می‌کردند و کاملاً تحت تأثیر زندگی ایلیاتی قرار داشت و تقریباً با ساختار اداری نوین بیگانه بودند. رضاشاه با گسیل ارتش به این منطقه سعی در تغییر و اصلاح ساختار اداری و شیوه زندگی مردم منطقه در راستای مدرن‌سازی داشت. برخورد خشن نظامیان با اهالی لرستان با واکنش برخی از ایلات مواجه شد و تکمیل ساختار اداری این منطقه را طولانی‌تر نمود. این پژوهش در صدد پاسخ به این سوال است که روند ایجاد دوایر دولتی نوین در لرستان عصر پهلوی اول چگونه و با چه روشی انجام شد؟ فرضیه این پژوهش بر این اساس استوار است که تأسیس ادارات در لرستان تحت تأثیر اقدامات نظامیان بود و روند ایجاد ادارات مختلف دولتی به صورت تدریجی تا پایان حکومت پهلوی اول به طول انجامید. این مقاله سعی دارد با تکیه بر اسناد، مطبوعات، خاطرات مجریان طرح و سایر منابع روند تحولات اداری لرستان را به شیوه توصیفی - تحلیلی، بازکاوی کند.

پژوهش‌های بسیاری در مورد سیاست‌های عشایری رضاشاه در لرستان به رشته تحریر درآمده است، اما در مورد تحولات ساختار اداری در لرستان جز اشاراتی کوتاه، پایان‌نامه، مقاله یا کتابی به صورت مستقل به رشته تحریر درنیامده است. بنابراین این موضوع در جزئیات خود همچنان نیازمند مذاقه و تأمل نظر است. تحولات اداری ایران با توجه به اهمیتی که برای حکومت پهلوی داشت در

آثار نویسندگانی چون: یرواند ابراهامیان در «*ایران بین دو انقلاب*» (۱۳۸۴ش) و محمدعلی همایون کاتوزیان در «*اقتصاد سیاسی ایران*» (۱۳۸۹ش)، به صورتی مختصر در حاشیه دیگر مطالب اشاره شده است. از جمله دیگر منابع مهم راجع به این پژوهش، کتاب «*عبور از عهد پهلوی در گیر و دار دو فرهنگ*» (۱۳۷۷) از ابوالمجد حجتی می‌باشد که بسیاری از مسائل عصر رضاشاه از جمله یورش نظامیان به لرستان و اقدامات آنان را در قالب خاطره‌نویسی نقل کرده است. نویسنده این کتاب، اطلاعات متقنی در مورد چگونگی تأسیس ادارات در لرستان و مسائل مربوط به آن را در لابه‌لای حوادث زندگی خود ارائه می‌دهد. این کتاب صرفاً با هدف خاطره‌نویسی به رشته تحریر درآمده است و استفاده از آن برای فهم مسائل اداری در این عصر کافی نیست. در آثاری که در مورد لرستان به چاپ رسیده است، کلی‌گویی در مورد موضوع رایج است و در این آثار معمولاً در لابه‌لای مسائل دیگر به صورت گذرا و توصیفی به تأسیس برخی از دوایر دولتی اشاراتی داشته‌اند. از جمله این آثار می‌توان به «*تاریخ لرستان روزگار پهلوی*» از والیزاده معجزی (۱۳۸۲ش)، «*تاریخ جغرافیایی و اجتماعی لرستان*» از حمید ایزدپناه (۱۳۷۶ش) و «*یادگار عمر*» از حمید عیدی (۱۳۸۷) اشاره کرد که در مورد تأسیس برخی از ادارات مطالبی را به صورت پراکنده نقل کرده‌اند و در مورد ضرورت و هدف از ایجاد این ادارات مطالبی را ثبت نکرده‌اند و یا مانند کتاب یادگار عمر بیشتر در مورد مدارس اطلاعاتی را ارائه می‌دهد. نفیسه واعظ شهرستانی در کتاب «*سیاست عشایری دولت پهلوی اول*» (۱۳۸۸) با تکیه بر اسناد، مطبوعات و منابع تاریخی و پژوهش‌های جدید به اهداف پهلوی اول در برخورد با ایلات و عشایر پرداخته و بسیاری از پیامدهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را بررسی نموده است و گاه مطالبی را در مورد برخی از زمینه‌های تحولات اداری بررسی نموده که برای بحث مورد پژوهش این مقاله بسیار اندک و مختصر می‌باشد. مقاله «*نهادهای و شیوه‌های خط مشی‌گذاری در دولت پهلوی اول*» از نفیسه واعظ شهرستانی (۱۳۸۸) به بررسی جایگاه نهادهای سیاست‌گذار (مانند: پادشاه، مجلس و هیأت وزیران) برای ایلات و عشایر می‌پردازد و نقش آن‌ها را در تغییر ساختار اجتماعی ایلات و عشایر و نوسازی کشور را با استفاده از نهادهای اداری مدرن بررسی می‌کند، اما چون این مقاله دیدگاهی کلی دارد اطلاعات درخوری را در مورد روند تأسیس ادارات لرستان ارائه نمی‌دهد. در سال‌های اخیر پایان‌نامه‌هایی در مورد لرستان دوره پهلوی اول به رشته تحریر درآمده است که این آثار نیز به صورت جزئی و پراکنده و یا در خلال دیگر مباحث به تحولات اداری

و تقویت سه پایه نگهدارنده‌اش، ارتش نوین، بورا کراسی دولتی و پشتیبانی دربار، برای تثبیت قدرت خود گام برداشت (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۶۹-۱۷۰). دولت پهلوی به‌علت داشتن درآمدهای نفتی و عزمی جدی برای رسیدن به اهدافش شرایط لازم را در جهت به‌کارگیری تکنولوژی مدرن در راه تحقق اهدافی چون تحول در ساختار اداری کشور را داشت (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

دگرگونی در نظام اداری هر کشور نقش عمده‌ای در مدرن‌سازی و تحولات دیگر دارد (قوام، ۱۳۷۰: ۶-۷). پهلوی اول در راستای این مهم، ایجاد تحول در ساختار اداری را در پیش گرفت. اولین اقدام برای رسیدن به این مهم، ایجاد تمرکزگرایی در کشور و از بین بردن ملوک‌الطوایفی بود، زیرا در این ایام سنت‌های محلی بیشتر از قوانین کشوری بر روابط اجتماعی مردم نفوذ و غلبه داشت، این سنت‌ها حتی پس از کودتا پابرجا مانده بود (حجتی، ۱۳۷۷: ۱۹). لرستان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز ایلی کشور، در تضاد کامل با مدرن‌سازی مد نظر حکومت مرکزی بود که دیر یا زود برای رسیدن به اهداف مورد نظر دولت باید در بدنه حکومت جدید جای گیرد. تا قبل از دوره رضاشاه لرستان به‌شيوه‌ای سنتی اداره می‌شد و اداره به‌معنای واقعی و کارمند به‌معنای متعارف آن وجود نداشت. منطقه به‌علت ایلیاتی بودن هیچ‌گونه ساختار اداری برای رفاه حال عموم نداشت. دو شهر بروجرود و خرم‌آباد به‌علت نفوذ ایلات از لحاظ اداری و امنیتی در شرایط مناسبی قرار نداشتند (افشار، ۱۳۸۲: ۳۱-۳۶). اهالی آن از تحصیل بهره‌ای نداشتند، تنها عده کمی در مکتب‌خانه مشغول تحصیل بودند (والیزاده معجزی، ۱۳۸۲: ۳۸). هرچند پس انقلاب مشروطه مدارس متعددی در شهرهای بزرگ ایران تأسیس شد، اما متأسفانه در منطقه لرستان اثری از این نهضت فرهنگی پدیدار نشد (سالنامه بهار، ۱۳۴۲-۴۳: ۱۱-۱۴). قانون تعلیمات اجباری توسط مجلس شورای ملی دوم برای عموم مردم تصویب گردید (نرم‌افزار مذاکرات مجلس، ۱۳۹۱: جلسه ۳۱۵)، اما به‌دلیل ضعف حکومت قاجار و ناتوانی آن در تمرکز قدرت در کشور این امر محقق نشد. این درحالی بود که لازمه رشد اداری هر کشور یا منطقه‌ای، امنیت و ترویج سوادآموزی است که بسیاری از مناطق کشور از آن بی‌بهره بودند.

تحولات اداری لرستان در این عصر با توجه به واکنش منفی اهالی سخت تحت‌تأثیر اقدامات نظامیان بود. استنباط رضاشاه از عدم اطاعت‌پذیری ایلات و عشایر موجب شده بود که وی در اجرای سیاست‌هایش از ارتش استفاده نماید (واعظ شهرستانی، ۱۳۸۸: ۱۱۳). تحولات اداری در لرستان مسیر یکنواختی را طی نکرد، بلکه با توجه به مخالف بسیاری از ایلات در مقابل نفوذ دولت مسیر پر فراز و

لرستان اشاره کرده‌اند که فاقد بررسی و تحلیل مناسب در مورد ایجاد ادارات مدرن در لرستان است. از جمله این پایان‌نامه‌ها می‌توان به «وضع سیاسی اجتماعی لرستان در عصر رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش)» از روح‌الله نقی‌بیرانوند و «سیاست پهلوی اول در قبال قوم لر» از زهرا دری‌کوندی اشاره کرد. بنابراین پژوهش‌های اخیر بررسی تحولات اداری لرستان هنگام روی کار آمدن حکومت پهلوی را ناکام می‌گذارد. این مقاله سعی دارد که روند تحولات اداری لرستان را با تکیه بر اسناد، روزنامه‌ها و کتاب‌های دست‌اول، مانند: خاطرات و اسناد چاپ‌شده مجریان این طرح در لرستان و منابع تحقیقاتی جدید مورد بررسی و تبیین قرار دهد. در این پژوهش به‌طور جامع و منسجم در مورد ضرورت ایجاد دوایر دولتی در لرستان، بسترسازی‌های لازم برای این امر، چگونگی تأسیس ادارات و نتایج آن اطلاعات بایسته‌ای را ارائه داده است تا بتواند تا حدودی کاستی‌های پژوهش‌های پیشین را جبران نماید.

تحول نظام اداری در عصر رضاشاه

ساختار اداری به‌دلیل ارتباط مستقیم با ارکان مختلف حکومت‌ها از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، زیرا تحول در این نهاد باعث تحولات دیگری می‌شود. تحول در لغت به‌معنای از جایی به جایی شدن و برگشتن از جایی به جای دیگر می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۹۳/۵). اما در اصطلاح به‌معنی انقلاب و دگرگونی است. هدف از دگرگونی در نظام اداری تقویت توانمندی‌های یک حکومت در اداره هرچه بهتر امور کشوری است. حکومت پهلوی نیز درصدد ایجاد تحول در این بخش بود، با توجه به‌عنوان این پژوهش منظور از تحولات اداری، بررسی سیر روند ایجاد ادارات دولتی و مسائل مربوط به آن در لرستان است.

نظام اداری ایران از دوره باستان تا انقلاب مشروطیت روندی تقریباً یکسان را طی نموده است، هرچند تشکیلات اداری در دوره قاجار بسیار گسترده‌تر و پیچیده‌تر ادامه داشت (حلاجیان، ۱۳۹۶: ۳۸، ۴۱). از معایب نظام اداری قاجارها، تأثیر فرهنگ ایلی و اشرافی بر آن بود (تنکابنی، ۱۳۹۲: ۶۰) که مناصب اداری خریداری می‌شد و کسی به‌واسطه لیاقت شخصی به مدارج بالای اداری نمی‌رسید (دوبد، ۱۳۸۸: ۳۹۵-۳۹۶). دیگر اینکه نظام اداری ایران تحت نفوذ قدرت‌های خارجی بود و اصلاحات اداری از روی کاغذ فراتر نمی‌رفت (آوری، ۱۳۷۳: ۳۳۴). در عصر مشروطه نیز اصلاحات اداری به‌دلیل ضعف حکومت مرکزی توفیقی نیافت (نعمتی، ۱۳۹۷: ۵۳)، اما طی سال‌های سلطنت رضاشاه، دوران پیریزی یک نظام جدید فراهم شد. وی پس از رسیدن به سلطنت در سال ۱۳۰۴ش، با ایجاد

از دیگر اقدامات ضروری برای بنیاد ساختار اداری جدید در لرستان یکجانشین کردن اهالی بود، زیرا ساختار اداری نوین برای اجتماعات یکجانشین بود نه عشایر کوچرو. از این‌رو دولت مرکزی تصمیم بر اسکان عشایر گرفت. هم‌زمان با ساخت جاده، قلاع رعیتی در امتداد راه شوسه و در کنار رود خرم‌آباد و کشکان به کمک مهندسی روسی در سال ۱۳۰۶ ش. پی‌ریزی شد و بسیاری از ساختمان‌ها نیز به منظور اسکان دادن ایلات و عشایر تعمیر شد (سازمان ملی اسناد، سند شماره: ۲۹۰/۰۵۷۷). امیراحمدی که خود را ابداع‌کننده طرح یکجانشین کردن ایلات می‌دانست، به همین منظور بسیاری از مهندسی را برای ساخت قلاع از گردنه رازان بین بروجرد و خرم‌آباد تا دزفول به کار گرفت (امیراحمدی، خاطرات، ۱۳۷۳: ۳۳۳). یکی از اقدامات مهم برای اسکان ایلات لرستان ساخت راه سراسری تهران به خوزستان بود که از منطقه می‌گذشت. اهمیت این راه در تخته‌قاپو کردن ایلات را می‌توان در سخنان امیراحمدی دید که می‌گوید: «همین که جاده نظامی رو درست شد من به فکر افتادم که باید به خانه بدوشی لرستان خاتمه داد و آن‌ها را شهرنشین کرد. زیرا که ادامه امنیت آنجا [لرستان] موکول به این بود که هر طایفه محل ثابت داشته باشد تا بتوان به تربیت آن‌ها همت گماشت و آن‌ها را به مدنیت و بهره‌مند شدن از مزایای زندگی امروزی سوق داد» (امیراحمدی، خاطرات، ۱۳۷۳: ۳۳۲). ساخت این جاده در لرستان را می‌توان پیش‌زمینه تخته‌قاپو کردن عشایر لرستان دانست که حکومت مرکزی با استفاده از این مزیت می‌توانست طرح‌های مختلف خویش را در این منطقه به اجرا بگذارد. بنابراین با ساخت این راه، عملیات‌های گسترده‌ای جهت ساخت قلاع متعدد رعیتی در جنوب خرم‌آباد و حاشیه رودخانه‌ها صورت گرفت (سازمان ملی اسناد، سند شماره: ۲۹۰/۰۵۵۷) و امیراحمدی دستور می‌دهد که نظامیان از طریق زور طوایف مختلف را در جنوب خرم‌آباد، پلدختر، اطراف رود کشکان و جاده خرم‌آباد به دزفول اسکان دهند (امیراحمدی، اسناد، ۱۳۷۳: ۳۳۳-۳۳۴؛ امیراحمدی، خاطرات، ۱۳۷۳: ۳۵۶).

دولت و مجلس نیز در راستای انجام این کار طرح‌ها و مصوباتی داشته‌اند، به طوری که روزنامه اطلاعات گزارش می‌دهد که هیأت هیئت دولت برای عمران و آبادی لرستان و ساخت قلاع فلاحی در جهت تخته‌قاپوی ایلات تصویب‌نامه‌ای صادر کرده که در آن اعتباراتی برای ساخت قلاع، خرید آلات و ادوات فنی و فلاحی، خرید بذر، لوازم زراعی و همچنین اعتبار برای استخدام معلمان فنی و کسانی که برای آموزش کشاورزی لازم است در نظر گرفته شده است (اطلاعات، ۱۳۰۸: ۲). در منطقه لرستان به افراد اسکان

نشینی را گذراند. از نظر حکومت مرکزی پیش‌زمینه اصلاحات اداری، ایجاد امنیت و اسکان عشایر بود که برای رسیدن به این مهم، حکومت مرکزی در مرحله نخست دست به سرکوب ایلات مخالف، ایجاد راه، اسکان اجباری، تقسیم اراضی، تصویب کمک‌های مالی از طرف دولت و مجلس و استقرار حاکمان نظامی زد. در مرحله دوم برای نهادینه کردن این اصلاحات اقداماتی همچون: گسترش مدارس، ایجاد دوایر مختلفی مانند تأسیس بانک، اداره ثبت و سایر ادارات انجام داد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. در این راستا رضاشاه ارتش را مأمور اجرای اقدامات تمرکز قدرت یا به اصطلاح تخته‌قاپوی عشایر در لرستان و ایجاد نظم نوین نمود تا با اقدامات خود ساختار جدیدی را برای منطقه و کشور تأسیس نمایند.

بستر سازی تحولات اداری در لرستان

یکی از اقدامات لازم و اصلاحی برای ایجاد تمرکز در کشور و احیاء حیثیت دستگاه اداری، مبارزه علیه ملوک‌الطوایفی بود و تا زمانی این امر صورت نمی‌گرفت حکومت مرکزی قادر نبود اصلاحات خود را در جهت مدرن‌سازی کشور و استقرار تشکیلات جدید اداری به انجام برساند. بنابراین قوای نظامی رضاشاه به منظور فتح لرستان و تلاش در جهت برقراری نظم نوین در آبان ۱۳۰۲ ش. به سوی خرم‌آباد حرکت نمود. قوای نظامی پس از چند درگیری با نیروهای عشایری با پیروزی وارد شهر خرم‌آباد شد و تعدادی از سران ایلات مخالف دولت را در سال ۱۳۰۲ ش. و ۱۳۰۴ ش. اعدام شدند (والی‌زاده معجزی، ۱۳۸۲: ۶۱-۵۴، ۱۸۳-۱۴۲).

اقدامات دیگر که توسط حکومت در راستای هدف مورد نظر و همچنین به حاشیه بردن قدرت خوانین و رؤسای ایلات صورت گرفت انتخاب حکام نظامی برای مناطق و طوایف مختلف بود. به زودی حکومت نظامی در سرتاسر لرستان اعلام شد و حکام نظامی زیادی با اختیار کامل به عنوان بخشدار هر بخش انتخاب شدند (سازمان اسناد ملی، سند شماره: ۲۹۷/۱۲۶۱۴۷؛ امیراحمدی، اسناد، ۱۳۷۳: ۱۹۶-۱۹۷). این طرز حکومت نظامیان تا سال ۱۳۱۳ ش. که عزالممالک اردلان حاکم لرستان قدرت بخشداری را به وزارت کشور محول کرد، ادامه داشت. اگرچه گماردن حاکمان نظامی بر مناطق، تسریع در برقراری نظم و آرامش را موجب می‌شد، ولی عدم کنترل مناسب بر اعمال و رفتار نظامیان باعث اجحاف‌هایی در حق اهالی منطقه می‌شد. حاجعلی رزم‌آرا در سال‌های ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۴ ش. با درک این مشکل قدرت حکام نظامی را تا حدودی محدود کرد (رزم‌آرا، ۱۳۲۲: ۳۰-۲۱۶).

گرفت و در نتیجه کمیسیونی متشکل از اشخاص آگاه تشکیل شد و کمک بزرگی به پیشرفت امور لرستان نمود (رزم آرا، ۱۳۹۳: ۸۹-۹۰). دولت مرکزی در نهایت با اقدامات عمدتاً نظامی و اصلاحی موفق به سرکوب عشایر شد و اردلان حاکم لرستان در نامه‌ای به وزارت کشور تخته‌قاپوی عشایر لرستان را در سال ۱۳۱۲ ش. اعلام کرد (اسناد ملی ایران، سند شماره: ۷، ۲۹۳/۱۵۵). بعد از اعلام پایان طرح اسکان و سرکوب عشایر، ایجاد دوایر دولتی و تسریع در روند آن برای اداره امور منطقه لازم به نظر می‌رسید که حکومت مرکزی در صدد اجرای این مهم برآمد.

تحولات اداری در دوره رضاشاه

از زمان ورود لشکر غرب به لرستان، هدف حکومت مرکزی در پی تسخیر لرستان و براندازی سران شورشی ایلات و سپس همگون‌سازی لرستان با کشور بود، اما به دلیل طولانی شدن مبارزات و مقاومت شدید عشایر در زمان فرماندهی رزم‌آرا، اقدامات و اصلاحات مورد نظر حکومت مرکزی در لرستان تا سال ۱۳۱۲ ش. به نحو شایسته‌ای به اجرا در نیامد. سران نظامی همچون امیراحمدی، رزم‌آرا و دیگران بیشتر وظایف مربوط به منطقه را برعهده گرفتند. در واقع پس از انقیاد رهبران سیاسی عشایر بود که دولت جدید شروع به اقداماتی کرد تا شیوه زندگی را دگرگون سازد (بیات، ۱۳۸۷: ۳۲۲). اسکان عشایر لرستان باعث شد که عشایر از بافت جغرافیایی و فرهنگی خود دور شده و دولت بر آن‌ها کنترل داشته باشد. با ایجاد ادارات مختلف و برخی قوانین مانند قانون نظام وظیفه، دولت سعی نمود پایه‌های دولت مدرن و ملت‌سازی نوین را برپا کند و وضعیت کشور را به صورت دولتی متمرکز و ملتی همگون و یکدست درآورد. از این رو در راستای به انجام رساندن تخته‌قاپوی عشایر لرستان دوایر دولتی زیادی به منظور دلبسته کردن به یکجانشینی اهالی تأسیس شد.

در مرحله اول دولت هم‌زمان با سرکوب عشایر مخالف، احداث راه، تقسیم اراضی و اسکان عشایر کوچ‌رو مقدمات ایجاد ادارات و تشکیلات نوین را فراهم نمود. هرچند برخی از اقدامات اداری دولت مرکزی در دوره اول آغاز شد، ولی بسیار کند پیش می‌رفت. در مرحله دوم، توسعه تشکیلات اداری و تأسیس ادارات جدید با سرعت بیشتری پیش رفت. سرعت بخشی به ایجاد ادارات در لرستان در سال ۱۳۰۹ ش. رخ داد که با انتصاب میرزا حسن خان به‌عنوان حاکم لرستان، مقرر شد که مرکز حکومت را در خرم‌آباد قرار دهد و کلیه دوایر دولتی را که در بروجرد بود به خرم‌آباد منتقل نماید (سازمان ملی اسناد، سند شماره: ۲۴۰/۱۰۵۱۲)، اما انتقال

داده‌شده نیز وام‌هایی جهت ساخت خانه و امثالهم داده‌شده که می‌بایست آخر هر ماه اقساط آن پرداخت می‌شد (سازمان ملی اسناد، سند شماره: ۳۱۰/۱۰۲۴).

مجلس نیز مصوباتی در جهت اسکان ایلات و عشایر لرستان داشت، از جمله: ۱. اجازه پرداخت یکصد هزار تومان اعتبار اضافی از محل ذخیره مملکتی برای عمران لرستان و سکنی‌دادن لرها (مصوب ۶ مهر ۱۳۰۹). ۲. قانون اجازه پرداخت پنجاه هزار تومان اعتبار اضافی برای مخارج عمران لرستان (مصوب ۱۲ بهمن ۱۳۱۰). ۳. قانون واگذاری املاک و اعطای مالکیت به لرهای اسکان‌یافته (مصوب ۳۰ خرداد ۱۳۰۹). ۴. قانون اعتبار اضافی برای مخارج عمران و تخته‌قاپو کردن عشایر (مصوب مهر ۱۳۱۱). ۵. قانون اجازه واگذاری اراضی واقع در لرستان به لرهایی که دهنشین گردند (مصوب ۲۸ مهر ۱۳۱۱). ۶. قانون یکصد هزار ریال اعتبار اضافی برای مخارج بذر جهت لرهای لرستان (مصوب ۲۴ دی ۱۳۱۱). ۷. قانون سیصد هزار ریال اعتبار اضافی برای مخارج عمران و تخته‌قاپو کردن عشایر (مصوب ۱۱ تیر ۱۳۱۲). ۸. قانون راجع به امور قضایی و اداری لرستان (مصوب ۱۷ تیر ۱۳۱۷) (مرکز پژوهش‌های مجلس، لوح حق: ۱۳۸۷؛ شهرستانی، ۱۳۸۹: ۴۰۱-۴۰۰).

از دیگر برنامه‌ها و اهداف حکومت مرکزی تلاش برای ایجاد تحول در وضعیت اجتماعی و اقتصادی اهالی لرستان از طریق تقسیم اراضی بود. از آنجاکه مهم‌ترین هدف قوای نظامی پس از ورود به لرستان تخته‌قاپوی عشایر بود، برای پیشرفت این کار از سیاست‌های به‌کار بردن زور و اسکان اجباری عشایر در قلاع ساخته‌شده و سیاست‌های تشویقی مانند الغای مالیاتی ایلات اسکان‌یافته استفاده می‌کردند، ولی این گونه اقدامات، غالباً به دلیل نواقص قانونی و اجرایی مورد استقبال قرار نگرفت و اهالی لرستان هیچ‌گونه علاقه‌ای به یکجانشینی نداشتند. از این رو با همکاری دولت و مجلس در سال ۱۳۱۱ ش. قوانینی به منظور تقسیم اراضی میان اهالی و با هدف کاهش ناراضیاتی آنان مصوب شد. به نحوی که از اراضی خالصجات بهر خانوار از لرها به‌میزانی که معاش آن خانوار را تأمین نماید به ملکیت قطعی واگذار می‌گردید (نعمتی، ۱۳۹۷: ۱۸۷، ۱۸۴).

در ادامه روند اصلاحات در لرستان، رزم‌آرا نیز توانست رضاشاه را با اهداف و اقدامات خود همراه کند. وی در رابطه با موافقت رضاشاه برای انجام اصلاحات در لرستان، در خاطراتش می‌نویسد چون قوانین موجود کشور مانع از ترقی لرستان بود تقاضا شد که مدت دو سال لرستان از کلیه قوانین موجوده مستثنی شده و در مقابل کمیسیون مخصوصی به لرستان آمده طبق اوضاع و احوال، وضعیت منطقه اداره گردد. این گزارش مورد تصویب رضاشاه قرار

کمیسیون‌های مخصوص برای حل مشکلات ایلات و عشایر لر شد (اردلان، ۱۳۸۳: ۲۵۵). به‌نظر می‌رسد دلیل انتصاب عزالممالک اردلان به‌عنوان حاکم غیرنظامی لرستان شناخت و آشنایی وی با ساخت و بافت عشایری مناطق غرب کشور باشد، زیرا خانواده اردلان از خاندان‌های مشهور کردستان است که از سده هفتم هجری در کردستان حکومت داشته و در بسیاری از رخدادهای تاریخی ایران همواره نقش داشته‌اند (اردلان، ۱۳۷۲: ۲-۵). شناخت، آشنایی و تجربه وی از مردم منطقه غرب در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات منصفانه وی در قبال عشایر لرستان به‌روشنی مشخص است.

تا سال ۱۳۱۲ش. همه‌جای لرستان به‌وسیله حکام نظامی اداره می‌شد و حکام لرستان سازمانی نداشتند و حوزه حکومت آن‌ها محدود به‌شهر خرم‌آباد بود. هنگامی که عزالممالک اردلان به حکمرانی لرستان منصوب شد، وزارت کشور مصمم شد کادر بخشداری لرستان را تکمیل کند و حکام نظامی در کارهای مربوط به وزارت کشور دخالت نکنند. از این زمان همه بخش‌ها جزو بودجه وزارت کشور شدند و از وزارت کشور حقوق می‌گرفتند (والی‌زاده‌معجزی، ۱۳۸۲: ۲۶۹). بعد از آن طبق روایت غضنفری افرادی مانند: رستم‌خان طولابی در چگنی، امان‌الله‌خان غضنفری در طرخان، اسدالله‌خان سرحددار از ایل کلهر در دلفان، ستوان یکم قائم‌پناه در سلسله و سلطان سهراب‌خان در هروی بیرانوند در مقام بخشداری و رئیس انتظامات انتخاب شدند (غضنفری امرایی، ۱۳۹۳: ۱۳۶۱/۲). در سال ۱۳۱۴ش، دومین والی لرستان و بروجرد به‌نام دکترحسین مرزبان به‌جای عزالممالک اردلان منصوب شد. در این زمان هم مرکز حکمرانی رسماً از بروجرد به خرم‌آباد منتقل شد (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۲۲۸). به این ترتیب و با عملکرد موفق حاکمان غیرنظامی در اجرای برنامه‌های دولت، حضور نظامیان در کادر اداری منطقه لرستان پایان یافت.

با فراهم‌شدن زمینه ایجاد ادارات، حکومت به‌منظور تثبیت اقدامات انجام‌گرفته در طرح اسکان عشایر سعی در اجرای یک رشته اقدامات دیگر در جهت این طرح پس از واگذاری اراضی نمود. به‌علت ضعف شدید اقتصادی و مالی اهالی لرستان در پی اقدامات نظامی خشن و نابودی منابع درآمدی مردم در پی تغییر روش‌های معیشتی مردمی که اسکان یافته بودند دیگر توان مالی جهت ساخت‌وساز قلاع رعیتی و تعمیر آن‌ها نداشتند. دولت پهلوی برای رفع این مشکل به فکر ایجاد مؤسسات مالی در لرستان افتاد که تاحدودی بتواند بر مشکلات مالی ادامه طرح غلبه کند. نخستین بار

ادارات به‌صورت تدریجی اتفاق افتاد و چندین سال به‌طول انجامید. با اینکه از این زمان به بعد اکثر ادارات به خرم‌آباد انتقال یافت، اما در برخی از موارد هنوز ادارات بروجرد به‌صورت مستقل عمل می‌کردند، به‌عنوان مثال اداره دارایی خرم‌آباد زیر نظر دارایی بروجرد بود که این عمل با مخالفت و نامه‌نگاری برخی از افراد با مرکز حکومت در میان گذاشته‌شده و به این امر اعتراض شد (سازمان ملی اسناد، سند شماره: ۳۱۰/۶۶۶۹۹). علت اینکه ابتدا ادارات در بروجرد تشکیل می‌شد این بود که بروجرد به‌عنوان نخستین شهر در ورودی لرستان محسوب می‌شد و در مقایسه با خرم‌آباد کمتر تحت‌نفوذ ایلات و عشایر قرار داشت. خرم‌آباد در مرکز لرستان و در محاصره ایلات بزرگ لر بود و تا مدت‌ها حکومت مرکزی بر آن احاطه کاملی نداشت، همین امر باعث شد ادارات پیش از خرم‌آباد، در بروجرد استقرار یابند. با مطالعه اسناد این عصر نیز چنین استنباط می‌شود که نبود راه مناسب از موانع گسترش ادارات در دیگر نواحی لرستان بوده است و این امر باعث شده بود که بروجرد در ایجاد و نفوذ ادارات پیش‌تاز شده و دیگر مناطق مانند طرخان، دلفان و الشتر با مأموران نظامی اداره شوند (سازمان ملی اسناد، سند شماره: ۲۶۱/۹۴۴۳). پیش‌تازی بروجرد در تأسیس ادارات باعث شده بود که در نامه‌های ارسالی مرکز به لرستان و بالعکس از منطقه لرستان با نام اداره حکومتی بروجرد و لرستان یاد شود (سازمان ملی اسناد، سند شماره: ۲۶۱/۹۴۴۳) در صورتی که بروجرد از شهرهای لرستان محسوب می‌شد. از دیگر دلایل انتقال مرکزیت اداری به خرم‌آباد جنبه تبلیغاتی آن بود، زیرا دولت از آن به‌عنوان گواهی بر موفقیت اردوکنشی به لرستان در افکار عمومی ملت ایران استفاده می‌کرد (دالوند، ۱۳۸۵: ۱۶۲).

اتفاق دیگری که نقطه عطفی در تحولات اداری لرستان بود، واگذاری حاکمیت این منطقه به‌دست غیرنظامیان بود. بدون شک انتقال قدرت اداری از نظامیان به غیرنظامیان در کارایی و افزایش عقلانیت اداری نقش پررنگی داشته و در سرعت‌بخشیدن به تحولات اداری مؤثر بود. با تثبیت تخته‌قاپوی عشایر در سال ۱۳۱۲ش. دیگر لازم نبود که نظامیان بر جنبه‌های گوناگون زندگی اهالی لرستان احاطه داشته باشند. نظامیان برای امور اداری آموزش لازم را ندیده بودند و همین امر بارها مشکلاتی را برای اهالی لرستان به‌وجود آورده بود و اوضاع منطقه را آشفته می‌کرد. برای مثال می‌توان به اقدام امان‌الله اردلان حاکم غیرنظامی لرستان اشاره کرد که با تشخیص نقش اقدامات سوء نظامیان در آشفتنی اوضاع لرستان و گزارش آن به‌شخص رضاشاه باعث ایجاد

و در دوره‌ای طولانی باعث موفقیت برنامه‌های دولت می‌شد. بنابراین می‌توان این اقدام دولت را دارای نتایج مثبت تلقی نمود (نعمتی، ۱۳۹۷: ۲۱۹؛ واعظ شهرستانی، الف/۱۳۸۸: ۵۲۵). برخی از نام‌آورترین شاگردانی که وارد این مدارس شدند بعدها مصدر مشاغل سیاسی و مهمی در کشور شدند که می‌توان به فتح‌الله و محمدپورسرتیپ از خوانین سگوند اشاره کرد (امیراحمدی، خاطرات، ۱۳۷۳: ۳۲۰). در سال ۱۳۰۵ ش. دارالتربیه شبانه‌روزی برای فرزندان عشایر تأسیس شد. مشکل نخستین این مرکز نبود آموزگار بود. اعتضاد رئیس اداره فرهنگ بروجرد و خرم‌آباد، چند نفر معلم از بروجرد فرستاد و از باسوادان خرم‌آباد و بعضی از افسران ارتش دعوت به همکاری شد (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۲۲۹). کارکنان و مسئولان دارالتربیه عشایری از افراد مختلفی تشکیل شده بود که شامل افرادی چون: منشی، محاسب، ضابط، فراش، مدیر دارالتربیه، مباشر، اتاق‌دار، طبخ و پیشخدمت می‌شدند که از طرف دولت حقوق دریافت می‌کردند (سازمان ملی اسناد، سند شماره: ۰۸۷۷۹/۲۹۷).

حوزه معارفی بروجرد و خرم‌آباد که بر این مدارس نظارت داشت در سال ۱۳۱۱ ش. از حوزه معارف غرب مستقل شد و منطقه لرستان از این تاریخ به بعد با مرکز ارتباط مستقیم اداری برقرار کرد (سازمان ملی اسناد، سند شماره: ۰۲۷۸۰۵/۲۹۷). این اداره درصدد رفع کمبودهای منطقه بود. رئیس معارف و اوقاف لرستان در سال‌های ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ ش. در مکاتباتی که با وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه^۲ داشت ضمن اشاره به کمبود آموزگار و کارمند برای مدارس ایجاد شده در لرستان، درخواست نمود مدیران، کارمندان، آموزگاران و سایر نیروهای مورد نظر را برای این مدارس استخدام و یا به این منطقه بفرستند. گاهی نیز افرادی برای نظارت بر امور این اداره مهم منصوب می‌شدند در ۱۸ خرداد ۱۳۱۴ ش. آقای سیروس‌پور رئیس پست و تلگراف از طرف رئیس معارف لرستان برای نظارت بر معارف لرستان تعیین شد که این اقدام از طرف مرکز تأیید گردید (سازمان ملی اسناد، سند شماره: ۰۸۶۳/۳۰۲۹۷).

در سال ۱۳۱۴ ش. حکمران لرستان از طرف اداره معارف و اوقاف لرستان طی مکاتباتی در زمینه ایجاد مقاطع بالاتر برای دانش‌آموزان از وزارت معارف درخواست ایجاد کلاس ششم برای دختران و یک کلاس متوسطه برای پسران می‌نماید. رئیس معارف لرستان (۱۳۱۴ ش) نیز از مرکز درخواست تأسیس دبستان برای

به تاریخ ۱۳۱۱/۱۰/۵ ش. طرح تأسیس شعبه‌ای از بانک فلاحتی در لرستان به پیشنهاد رئیس کمیسیون مخصوص رسیدگی به وضعیت لرستان که به‌طور مستقیم زیر نظر رضاشاه فعالیت می‌نمود، مطرح گردید. سرانجام پس از فرازونشیب‌هایی چند این طرح تصویب و شعبه‌ای از بانک فلاحتی برای پیشبرد اهداف مورد نظر در لرستان تأسیس گردید (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره: ۱۵۴۸۶/۲۴۰). این درحالی بود که در سال ۱۳۰۵ ش. نخستین شعبه بانک ملی به‌وسیله یک آلمانی به‌نام مسیو آنت در خرم‌آباد افتتاح شد. این نخستین بانکی بود که در خرم‌آباد گشایش می‌یافت (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۲۲۹؛ قاسمی، ۱۳۷۹: ۱۴/۴). بعد از بانک فلاحتی، بانک‌هایی چون سپه و صادرات نیز در لرستان تأسیس شدند (قاسمی، ۱۳۷۹: ۱۴/۴).

با اجرای طرح تقسیم اراضی در لرستان، ثبت زمین‌های واگذار شده به مردم لازم بود. این امر باعث ایجاد اداره ثبت در لرستان شد. نخستین اداره ثبت اسناد^۱ در سال ۱۳۱۲ ش. به ریاست آقای آیت‌اللهی در لرستان تشکیل شد. ارزیاب و کارشناس آن نیز علی‌اکبر محرم ساکی بود که تمام املاک لرستان را به‌تدریج و در مدت ۱۴ سال تحدید حدود و تفکیک کرد تا به‌نام مالکان آن ثبت شود (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۲۲۶). این اداره در بهار ۱۳۱۵ ش. به ایجاد ساختمان پرداخت و در مرداد ۱۳۱۸ ش. توانست با انتقال اداره‌ی مرکزی از بروجرد به خرم‌آباد مرکزیت پیدا کند (دالوند، ۱۳۸۵: ۱۵۹/۱-۱۶۰). با ثبت زمین‌های زراعی به‌نام اشخاص، دلبستگی به یکجانشینی در اهالی لرستان به‌وجود آمده و گامی بلندی در تحول منطقه ایجاد شد.

سیاست ایجاد ادارات دولتی یکی از وجوه مشروعیت‌بخش برای حکومت پهلوی اول به حساب می‌آمد که با استفاده از آن می‌توانست تمرکزگرایی را در کشور نهادینه کند و ساختار اجتماعی جدید را تأسیس نماید. البته پیشتر با ورود نیروهای نظامی به لرستان اقداماتی همچون ایجاد مدارس جدید توسط امیراحمدی انجام شده بود (امیراحمدی، خاطرات، ۱۳۷۳: ۲۱۴). این اقدام امیراحمدی علاوه بر اینکه بر امور امنیتی و کنترل اهالی تأثیرگذار بود، در مدرسه‌سازی لرستان نیز سرآغاز دوره جدیدی بود. این امر در بلندمدت باعث گرایش فرزندان رؤسای عشایر به فرهنگ و زندگی جدید شده و مانند پدرانشان نمی‌توانستند با دولت مرکزی مخالفت کنند و در ادامه باعث آگاهی روزافزون مردم منطقه می‌شد

۲. این وزارتخانه در تاریخ ۲۷ شعبان ۱۳۲۸ ق. در سه فصل و یازده ماده به‌تصویب رسیده بود (رک، قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، ۱۳۲۸ ق، تهران: مطبعه دولتی).

۱. نظامنامه ثبت اسناد و املاک کشور در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۱۰ ش. در هفت فصل به‌تصویب رسید (رک، نظامنامه قانون ثبت اسناد و املاک (۱۳۱۰ ش)، تهران: احمدزاده).

تحصیل کودکان منطقه و کنجکاوی آنان باعث می‌شد این افراد با خواندن روزنامه‌ها از اخبار روز جهان مطلع شوند (حجتی، ۱۳۷۷: ۳۲۲، ۱۶۶). افراد زیادی که در این مدارس تحصیل کردند بعدها مصدر امور مهمی در منطقه لرستان و دیگر نقاط شدند (نک، قاسمی، ۱۳۷۸/۳؛ ۱۳۷۹/۴). با افزایش تحصیل‌کردگان به‌زودی کتابخانه‌ها و انجمن‌های مختلفی نیز تأسیس شد. در سال ۱۳۱۴ ش. برای نخستین بار در لرستان کتابخانه (هرچند به‌صورتی بسیار محدود) تأسیس شد (قاسمی، ۱۳۷۸: ۲/۲)، این امر باعث شد که بعدها کتابخانه‌های دیگری احداث شوند. قبل از ایجاد کتابخانه‌ها، دانش‌آموزان کتاب را از مغازه‌ها کرایه می‌کردند (حجتی، ۱۳۷۷: ۳۰۸). از دیگر پیامدهای ایجاد این مدارس، تأسیس انجمن‌های مختلف در منطقه بود. از جمله این انجمن‌ها می‌توان به مجمع اخوان صفا که بیشتر جنبه مذهبی و درویشی داشت اشاره کرد. این انجمن توسط سرگرد شکبیا در سال ۱۳۱۴ ش. تشکیل شد، مرکز آن در خرم‌آباد و زیر نظر شاخه غرب به‌مرکزیت کرمانشاه قرار داشت (قاسمی، ۱۳۷۸: ۴۴/۲-۴۵). مجمع اخوان حقیقت نیز در سال ۱۳۱۸ ش. توسط جمعی از تحصیل‌کردگان خرم‌آبادی به‌منظور فقرزدایی تشکیل شد (قاسمی، ۱۳۷۸: ۴۸/۲). بسیاری از اعضای این انجمن‌ها از تحصیل‌کردگان مدارس احداثی بودند. همچنین در این مدارس دانش‌آموزان با اموری چون اعتصاب (قاسمی، ۱۳۷۸: ۲۹۱) و با ورزش‌هایی چون والیبال و فوتبال نیز آشنا می‌شدند (قاسمی، ۱۳۷۸: ۳۰۴) و به‌دنبال گرایش جوانان لر به‌رشته‌های مختلف ورزشی در سال ۱۳۱۶ ش. انجمن تربیت‌بدنی تشکیل شد (دالوند، ۱۳۸۵: ۱۴۳).

یکی از مؤثرترین راه‌ها برای اجرای برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی دولت، ایجاد جلسه پرورش افکار بود که در لرستان توسط رئیس فرهنگ هر شهر اداره می‌شد. بسیاری از کارمندان ادارات و دانش‌آموزان در این جلسات شرکت می‌کردند (حجتی، ۱۳۷۷: ۲۴۷). محتوای جلسات پرورش افکار بیشتر تبلیغ برنامه‌ها و اقدامات دولت بود و سعی می‌شد که با برنامه‌های مختلف هرچه بیشتر دانش‌آموزان را جذب کنند (حجتی، ۱۳۷۷: ۲۵۱-۲۵۲) تا از این طریق آنان را به‌عنوان مبلغان و دوستداران حکومت تمرکزگرای رضاخانی در ادارات دولتی جای دهند.

از جمله تشکیلات نوین شهری در خرم‌آباد، ایجاد شهرداری بود که در سال ۱۳۰۵ ش. انجام شد و نخستین شهردار آن روح‌الله والی‌زاده بود (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۲۱۷). با تأسیس شهرداری در خرم‌آباد، این اداره سعی در انجام امور بهداشت شهری شد. برای نمونه می‌توان

منطقه حنام در الشتر را دارد. در برخی از موارد نیز معارف لرستان در مکاتبه با مرکز سعی در تأمین بودجه لازم برای تأسیس مدرسه یا ایجاد مقاطع درسی بالاتر و تأمین وسایل مورد نیاز را دارد (سازمان ملی اسناد، سند شماره: ۲۹۳/۲۴۵۸۳). اقلیت‌های مذهبی نیز در این زمان با ایجاد مدارس جدید در توسعه فرهنگی و اداری لرستان سهیم بودند (قاسمی، ۱۳۹۰: ۷۲۷). در بین سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ش. ظرفیت آموزشی به‌طور عینی تا ۱۲ برابر افزایش یافت (کسرابی، ۱۳۷۹: ۴۲۵). اداره این مدارس برعهده اداره فرهنگ بود که زیر نظر وزارت معارف عمل می‌کرد. اداره فرهنگ خرم‌آباد در سال ۱۳۰۸ ش. از اداره فرهنگ بروجرد جدا شد و زیر نظر اداره فرهنگ همدان قرار گرفت و در سال ۱۳۲۳ ش. مستقل شد (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۲۲۶).

به‌دنبال تحولات یادشده در عرصه آموزش عمومی پس از گذشت چند سال مردم خرم‌آباد به‌ضرورت آن پی بردند. آنچه مردم را تشویق به فرستادن بچه‌های خود به مدرسه می‌کرد استقبال و تلاش مهاجرینی بود که با توجه به اصلاحات پهلوی اول به خرم‌آباد مهاجرت کرده بودند. این مهاجرین که اکثریت کارمندان نظامی و اداری دولت بودند نقش زیادی در توسعه فرهنگی و آموزشی لرستان و به‌ویژه شهر خرم‌آباد ایفا کردند. برای اولین بار فرستادن دختران به مدارس جدید توسط همین مهاجرین صورت می‌گرفت؛ زیرا مردم خرم‌آباد نسبت به فرستادن دختران خود به مدارس نوین نظر خوبی نداشتند. گروهی از این مهاجرین طی نامه‌ای به وزارت داخله خواستار توسعه‌ی مدرسه‌ی دخترانه‌ی شهر شدند. زیرا مدارس موجود، گنجایش دانش‌آموزان را نداشت و از طرفی نیاز به پایه‌های بالاتر احساس می‌شد. با پیگیری‌های این گروه به‌زودی مدارس در لرستان جهت تحصیل دختران احداث شد (قاسمی، ۱۳۹۰: ۷۳۶، ۷۴۵، ۷۳۳).

ایجاد مدارس و نقش فرهنگی آن بیشترین تأثیر را بر تحولات گوناگون لرستان گذاشت. این مدارس غیر از تشویق اهالی به تمرکزگرایی، در تحولات اداری منطقه نیز نقشی انکارناپذیر داشت. صرف‌نظر از خشونت دولت در اوایل ورود به لرستان، تحصیل فرزندان عشایر در این مدارس کمک بایسته‌ای به مستحکم‌شدن پیوندهای اجتماعی و ملی بین عشایر و بدنه ملی مورد نظر حکومت مرکزی در سال‌های آتی نمود و این امر از نقاط عطف برنامه‌ریزی دولت در این دوره بود (شهرستانی، الف/۱۳۸۸: ۵۴۰). کلاس‌های درس وسیله‌ای مؤثر برای تأثیرگذاری بر افکار دانش‌آموزان بود تا آن‌ها را برای برنامه‌های دولت آماده کنند (حجتی، ۱۳۷۷: ۱۶۵).

پل‌هایی نیز در مسیر راه‌ها ساخته می‌شود مانند: گدوک شیخ و پل سنگی خرم‌آباد که به طرف الشتر و نورآباد می‌رود (سالنامه پارس، ۱۳۱۲: ۱۱۴-۱۱۵). راه خرم‌آباد به طرف کرمانشاه نیز پس از افتتاح راه سراسری به پایان رسید (اطلاعات، ۲۲ بهمن ۱۳۰۷: ۲؛ ۲۸ مرداد ۱۳۰۸: ۲). راه‌های ایجادشده ضریب نفوذ حکومت مرکزی در نقاط مختلف لرستان را افزایش می‌داد و باعث ارتباط دوجانبه دولت و مردم و گسترش ادارات می‌شد.

از دیگر اداراتی که در این عصر نقش ویژه‌ای در ارتباطات داشت اداره پست و تلگراف بود. ایجاد خط تلگراف از جمله اقداماتی بود که در همان ابتدای اول ورود نظامیان به منطقه از نظر انتقال اخبار و نفوذ قوای نظامی در لرستان کارآیی بسیاری داشت. این اداره در جهت انقال سریع اخبار و اطلاعات بین خرم‌آباد و دیگر مناطق، دست به سیم‌کشی تلگراف می‌زد. مانند: سیم‌کشی خرم‌آباد به کرمانشاه از طریق الشتر و هرسین (اطلاعات، ۲۰ آبان ۱۳۰۸: ۴). و همچنین وصل سیم تلگراف بین دزفول و خرم‌آباد اشاره کرد (اطلاعات، ۹ مرداد ۱۳۰۷: ۲؛ ۲۶ بهمن ۱۳۰۶: ۳). اقدام دیگر تأسیس خط هوایی بود. در نتیجه مذاکراتی که قبلاً بین مؤسسه هوایی یونکرس و وزارت پست و تلگراف راجع به خط هوایی بوشهر انجام شده بود به‌واسطه تصویب بودجه سال ۱۳۰۶ ش. که اعتبار تأسیس خط هوایی جنوب در آن منظور و پیش‌بینی شده بود وزارت پست و تلگراف با مؤسسه مذکور وارد معامله شده و خط هوایی بین تهران و بوشهر و بالعکس در هفته‌ای یک مرتبه از اول فروردین ۱۳۰۷ ش. افتتاح شود. طبق این مصوبه می‌بایست خط هوایی بین تهران - بوشهر - دزفول - خرم‌آباد - بروجرد - اراک - قم به تهران هم پس از خاتمه راه‌سازی غرب تأسیس شود (اطلاعات، ۲۷ اسفند ۱۳۰۶: ۲؛ ۳ دی ۱۳۰۶: ۲).

صلحیه (دادگستری) از دیگر ادارت لرستان بود. تحول در سیستم قضایی با روی کار آمدن رضاخان به‌وجود آمد، وی با ایجاد یک نظام حقوقی جدید و سکولار، به دوگانگی دیرینه محاکم عرف و شرع پایان داد. مجری این طرح علی‌اکبر داور بود که در بهمن ۱۳۰۵ ش. طبق اختیاراتی که از مجلس شورای ملی گرفت، سازمان عدلیه و همه دادگاه‌ها را تعطیل و سازمان دادگستری جدید را تشکیل داد (عَلَم و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۲-۷۱). بعد از ورود ارتش و دفع هرج‌ومرج و اسکان عشایر لرستان، دایره‌ای به‌نام شعبه امور عشایری در ستاد لشکر تأسیس و این دایره زیر نظر افسران مطلع به‌دعای بین اهالی رسیدگی می‌کرد. دعاوی که احتیاج به رسیدگی بیشتری داشت اغلب با کدخدانمشی و یا مراجعه به حاکم شرع، زیر نظر فرماندهان نظامی به‌صورت مختلط رسیدگی می‌شد.

به ارتباطات و مکاتبات این اداره با وزارت داخله و ریاست وزراء جهت تأمین بودجه احداث سد از مرکز کشور برای جلوگیری از رشد پشه مالاریا اشاره کرد (سازمان ملی اسناد، سند شماره: ۳۱۰/۱۴۷۸۷). شهرداری بر امور دیگر ادارات که در حوزه شهری قرار داشت (مانند مسائل بهداشتی از جمله حمام‌ها) نیز نظارت می‌کرد (حجتی، ۱۳۷۷: ۲۵۷) نخستین انجمن شهر خرم‌آباد برای نظارت بر کار شهرداری نیز در سال ۱۳۱۶ ش. تشکیل شد و نخستین رییس آن حاج روح‌الله قاضی‌زاده بود (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۲۲۶).

اداره احصائیه در اوایل سال ۱۳۰۵ ش. آغاز به کار کرد و کار ثبت‌احوال امروزی برعهده این اداره بود (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۲۲۶). با ایجاد ثبت‌احوال برای نخستین بار آمار درستی از جمعیت منطقه ثبت شد که برای برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی دولتی اطلاعات مناسبی را تهیه می‌کرد. با ثبت هویت افراد کنترل و دسترسی به آنان آسان‌تر می‌شد و دولت می‌توانست خواسته‌های خود را بهتر اجرا نماید (دالوند، ۱۳۸۵: ۱۵۸). در پاییز سال ۱۳۱۳ ش. رزم‌آرا؛ عموم خوانین، کدخدایان و اشخاص معروف و سرشناس لرستان را به خرم‌آباد فراخواند و جشن‌هایی برپا داشت. در این جشن‌ها اجرای قانون نظام وظیفه را اعلام شد و از این تاریخ نمایندگان آمار و ثبت‌احوال باید در محل باشند و وقایع را مطابق قانون ثبت و برای موالید شناسنامه صادر نمایند؛ مشمولین وظیفه باید خدمت زیر پرچم خود را انجام دهند (والیزاده‌معجزی، ۱۳۸۲: ۲۷۳). برای اجرای هرچه بهتر امور مربوط به ثبت‌احوال و ثبت اهالی در این اداره، مسئولیت سجل‌احوال ایلات با رئیس ایل و مباشرات آن با خوانین و کدخدایان ایل بود (شهرستانی، ب/۱۳۸۸: ۱۱۸). با ایجاد ثبت‌احوال و دادن شناسنامه مشکلاتی نیز وجود داشت از جمله اینکه بسیاری از مردم برای اینکه فرزندان پسرانشان را از خدمت سربازی دور کنند یا دیرتر بفرستند تاریخ دقیق تولدها را ثبت نمی‌کردند (حجتی، ۱۳۷۷: ۲۴).

اداره طرق و شوارع یا اداره راه لرستان در سال ۱۳۰۶ ش. در خرم‌آباد تشکیل شد و برای کشیدن چند راه منطقه‌ای، مانند: راه خرم‌آباد به الشتر و نورآباد و راه خرم‌آباد به کوه‌دشت از مسیر چگنی نیز اقدام کرد (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۲۲۹). بسیاری از کارکنان اداره طرق و شوارع لرستان از افراد غیربومی بودند و به‌دلیل اهمیت این اداره در ایجاد راه، رسیدگی به‌امور مختلف کارکنان این اداره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود (سازمان ملی اسناد، سند شماره: ۲۴۰/۷۲۷۵۹: ۲۴۰/۵۱۶۴۳). پس از پایان ساخت راه سراسری طبق گزارش سالنامه پارس، راه‌های درون منطقه‌ای دیگری زیر نظر اداره طرق و شوارع لرستان ساخته می‌شود مانند: راه معمولان به طرحان؛

۲۵۷، ۲۶۲) و تا حدود زیادی در کنترل بیماری و با نقش داشت. همچنین با ترویج بهداشت در مدارس به تزریق واکسن بیماری‌هایی چون آبله، سرخک و دیگر واکسن‌ها می‌پرداخت. از دیگر اقدامات این اداره تأسیس بیمارستان در خرم‌آباد بود (دالوند، ۱۳۸۵: ۱۶۴). به این ترتیب ادارات نوین دولتی در منطقه لرستان ایجاد شد. ادارات دولتی در لرستان هرچند به صورت تدریجی ایجاد شدند، اما این تحولات بر زندگی اجتماعی اهالی لرستان تأثیر زیادی داشت به گونه‌ای که گاه از ظرفیت ادارات و کارمندان آن برای اجرای برنامه‌هایی مانند کشف حجاب استفاده می‌شد و از روسای ادارات و وکلای عدلیه و صاحبان دفاتر که با اداره‌های دولتی ارتباط داشتند دعوت شد که در این امر همکاری کنند و با همسرانشان بدون حجاب در محافل مختلف ظاهر شوند (حجتی، ۱۳۷۷: ۱۶۶). جامعه سنتی لرستان در این ایام در برابر برنامه کشف حجاب مقاومت نشان می‌داد، لذا در گام نخست، کارمندانی که غیربومی بودند برای اجرای این امر مناسب بودند (دالوند، ۱۳۸۵: ۱۴۶). اصلاحات اداری موجب نفوذ روزافزون دولت در میان مردم و دسترسی آنان به مناطق مختلف ایلی و عشایری شد و در طولانی مدت باعث تضعیف ساختار ایلی عشیره‌ای در برابر نظام نوین بود و سبب تمرکز قدرت در کشور شد.

نتیجه‌گیری

عصر پهلوی اول دوره‌ای نوین در ایجاد ادارات به سبک جدید آن بود. ساختار اداری کشور پیش از رضاشاه سخت تحت نفوذ اشراف و شاهزادگان قاجاری و فرهنگ ایلی قرار داشت. مناصب دولتی بیشتر به صورت اجاره یا پرداخت رشوه واگذار می‌شد. انقلاب مشروطه نیز نتوانست به اوضاع اداری کشور سروسامان دهد. با ضعف حکومت مرکزی به خصوص بعد از مشروطه، کشور به طور روزافزونی به سوی بی‌نظمی و ملوک‌الطوایفی سوق پیدا می‌کرد. لرستان نیز در این زمان با توجه به موقعیتی که داشت، دچار آشفتگی و ملوک‌الطوایفی شده بود و فاقد ساختار مناسب جهت اداره و انتظام امور منطقه بود. اوضاع بر همین منوال بود که رضاخان ظهور کرد. وی سعی داشت با استفاده از ارتش، تمرکز قدرت را در کشور برقرار کرده و تشکیلات اداری نوینی را برای اداره امور ایجاد نماید. لرستان نیز به خاطر جایگاه راهبردی آن در تمرکزگرایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.

ایجاد تشکیلات اداری جدید در لرستان با مشکلاتی مواجه بود و این امر تحت نفوذ نظامیان قرار داشت و تا سال‌ها آن‌ها بر این

دادگستری جدید در سال ۱۳۱۴ ش. و با منحل شدن محکمه مختلط تشکیل شد. اولین دادگاه در خرم‌آباد به ریاست آقای تهامی تأسیس و در حد نصاب قانونی به دعوی مردم رسیدگی می‌کرد (رشیدیان، ۱۳۸۱: ۱۵۱-۱۵۰). حکومت بر این نهاد در لرستان نظارت دقیقی داشت. برای مثال حاکمان نظامی از ضعف اداره عدلیه بروجرد و ناتوانی وی از برقرار نظم و تأدیب سارقان و افرادی که محل نظم و آرامش اهالی بروجرد هستند به مرکز شکایت داشته و ضرورت در تعویض رییس عدلیه بروجرد را لازم دانسته و پیشنهاد می‌کنند که صدیق‌الممالک رئیس عدلیه خراسان برای عدلیه بروجرد منسوب شود (سازمان ملی اسناد، سند شماره: ۲۶۱/۹۴۴۳). تا قبل از این اقدامات، پرونده‌های جنائی و حقوقی که نیاز به رسیدگی و صدور رأی داشت به دادگستری بروجرد فرستاده می‌شدند، ولی بعد از این تاریخ (۱۳۱۴ ش) دیگر نیازی نبود که پرونده‌ها به بروجرد فرستاده شود (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۲۲۸).

از ادارات مهم دیگر، ایجاد اداره مالیه در یکی از مغازه‌های کاروانسرای میرزا رضا تفرشی بود که در تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه سال ۱۳۱۲ ش. آغاز به کار کرد. ریاست این اداره نیز برعهده فتح‌الله گودرزی بشیرالسلطان بود (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۲۱۷). این اداره وظیفه رسیدگی به امور مالی و محاسب ادارات مختلف را برعهده داشت (سازمان ملی اسناد، سند شماره: ۳۴۰/۳۱۳۶۷). یکی از اهداف این اداره تسویه بدهی مالیاتی اهالی لرستان بود (دالوند، ۱۳۸۵: ۱۶۰). از دیگر اداراتی که در لرستان ایجاد شدند می‌توان از اداره کشاورزی نام برد. اداره کل کشاورزی خطاب به نخست‌وزیر پیشنهاد می‌کند (۱۳۱۷ ش) که کارگرانی که بعد از ساخت راه‌آهن بیکار شده‌اند را با استفاده از توسعه کشاورزی و آبی نمودن زمین‌هایشان در لرستان و مناطق گرمسیری آن‌ها در شمال خوزستان مشغول نمایند (سازمان ملی اسناد، سند شماره: ۳۱۰/۲۲۷۵۸). تغییر شیوه معیشت از دامپروری به کشاورزی برنامه‌ای مفید جهت در کنترل گرفتن اهالی لرستان بود، به همین جهت این امر از سوی دولت در اولویت قرار گرفته و در بهبود کار کشاورزی تلاش داشت، به گونه‌ای که انجمن کشاورزی خرم‌آباد به منظور رفع نواقص این امر در سال ۱۳۱۸ ش. تشکیل شد (دالوند، ۱۳۸۵: ۱۵۴-۱۵۵). از دیگر ادارات اداره بهداشتی (صحیه)^۳ بود که در سال ۱۳۱۲ ش. تشکیل شده و ریاست آن را دکتر عباس، عهده‌دار بود. این اداره بر امور مختلف بهداشتی مانند حمام‌ها و قصابی‌ها نظارت داشت (حجتی، ۱۳۷۷:

۳. اداره صحیه در سال ۱۳۰۵ ش. تشکیل و بعدها به وزارت بهداشتی تبدیل شد (غنی، ۱۳۷۷: ۴۱۹).

ذکر شده نخست به مرکزیت بروجرد تأسیس شدند و با ایجاد امنیت لازم در دهه دوم حکومت پهلوی اول، به تدریج مرکزیت حکومتی و اداری لرستان به شهر خرم‌آباد منتقل شد. موقعیت جغرافیایی خرم‌آباد و واقع شدن این شهر در میان ایلات بزرگ باعث نفوذ هر چه بیشتر ادارات دولتی در منطقه می‌شد و از جنبه تبلیغی برای حکومت مرکزی حائز اهمیت بود. با رفت و آمد اهالی برای رفع مشکلات خود به این ادارات، ایشان به تدریج خوی عشایری را کنار گذارده و به یکجانشینی وابسته می‌شدند و در تغییر اندیشه آن‌ها مؤثر بود. دولت نیز از تشکیلات اداری به‌مانند چارچوبی برای کنترل اهالی و تمرکزگرایی می‌توانست استفاده کند و از شورش‌های احتمالی آنان جلوگیری نماید و آن‌ها را در نظام جدید مورد نظر خویش ادغام نماید. ایجاد ادارات دولتی در لرستان هر چند به صورت تدریجی انجام گرفت، اما در تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی لرستان تأثیرگذار بود. ادارات به‌عنوان پل ارتباطی دولت و مردم موجب گردید که نفوذ حکومت در منطقه لرستان گسترش یابد و با وابستگی مردم به دولت تفکر مرکزگرایی برای همیشه از ذهن آن‌ها خارج شود در چارچوب دولت ملی ادغان شوند.

منابع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۰۲۴؛ ۲۴۰/۱۵۴۸۶؛ ۲۹۷/۲۷۸۰۵؛ ۲۹۷/۸۷۷۹؛ ۲۹۷/۳۰۸۶۳؛ ۲۹۰/۰۵۷۷؛ ۲۴۰/۳۱۳۶۷؛ ۳۱۰/۱۴۷۸۷؛ ۲۴۰/۳۱۰۵۱۲؛ ۳۱۰/۷۲۷۵۸؛ ۲۶۱/۹۴۴۳؛ ۳۱۰/۱۰۵۱۲؛ ۲۹۷/۱۲۶۱۴۷؛ ۲۴۰/۵۱۶۴۳؛ ۲۴۰/۷۲۷۵۹؛ ۲۹۳/۲۴۵۸۳؛ ۳۱۰/۶۶۶۹۹؛ ۲۹۳/۱۵۵.

قاسمی، فرید (۱۳۹۰). *اسناد خرم‌آباد*. تهران: کتابخانه و موزه و اسناد مجلس شورای اسلامی.

نشریات

اطلاعات، سال دوم، شماره ۳۸۹، یکشنبه ۳ دی ۱۳۰۶.
اطلاعات، سال دوم، شماره ۴۳۲، پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۰۶.
اطلاعات، سال دوم، شماره ۴۵۳، ۲۷ اسفند ۱۳۰۶.
اطلاعات، سال سوم، شماره ۵۴۸، سه شنبه ۹ مرداد ۱۳۰۷.
اطلاعات، سال سوم، شماره ۷۰۱، دوشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۰۷.
اطلاعات، سال چهارم، شماره ۸۳۷، دوشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۰۷.
اطلاعات، سال چهارم، شماره ۸۴۱، شنبه ۲ شهریور ۱۳۰۸.
اطلاعات، سال چهارم، شماره ۹۰۷، ۲۰ آبان ۱۳۰۸.
سالنامه پارس، «تشکیلات وزارت طرق»، سال هشتم، شماره هشتم، ۱۳۱۲، صص ۱۱۶-۱۱۲.
سالنامه بهار (۱۳۴۲-۴۳). «دبیرستان بهار»، خرم‌آباد: چاپ دانش، صص ۱۴-۱۱.

امر نظارت داشتند، زیرا مهم‌ترین مانع در ایجاد این تشکیلات، واکنش منفی اهالی لرستان به ورود قوای نظامی بود که باعث جنگ‌هایی بین قوای دولتی و نیروهای عشایری شد. استقرار دولت پهلوی اول در لرستان شرایط جدیدی را پدید آورد و ساختار سنتی منطقه دستخوش تغییراتی شد. با توجه به تقابل ایلات و دولت مرکزی، تحولات اداری لرستان با فراز و فرودهایی همراه بود و روند یکنواختی را طی نکرد. روند تحولات اداری منطقه به دو مرحله تقسیم می‌شود: در مرحله نخست قوای نظامی برای ایجاد تشکیلات اداری زمینه‌های لازم را فراهم نمودند. در گام نخست به سرکوب عشایر و سپس اسکان آن‌ها پرداختند، زیرا تشکیلات نوین اداری برای یکجانشینی بود. به همین جهت پس از سرکوب عشایر قوای نظامی با اقداماتی چون اسکان آن‌ها و اصلاحاتی چون ایجاد راه برای دسترسی به نقاط مختلف منطقه و کنترل ایلات و عشایر و همچنین تقسیم اراضی به‌منظور دلبسته کردن اهالی به یکجانشینی و ترک کوچ‌نشینی تلاش نمودند تا شرایط لازم برای مرحله دوم و ایجاد ادارات فراهم شود. بعد از فراهم شدن زمینه‌های لازم و در مرحله دوم حکومت مرکزی برای دلبسته کردن اهالی به سکونت‌گاه‌های دائمی و نوسازی کشور و منطقه لرستان، اداراتی چون: بانک ملی و فلاحتی، ثبت اسناد، دادگستری، مدارس، بهداشتی، اداره مالیات، اداره کشاورزی، شهرداری، پست و تلگراف، طرق و شوارع، ثبت‌احوال و ادارات دیگر را تأسیس نمود. ایجاد این ادارات در قدم نخست برای ایجاد تمرکز قوا در کشور بود، اما در بلندمدت بر زندگی عشایر و ساختار اجتماعی اهالی بسیار تأثیرگذار بود. در میان این ادارات ایجاد مدارس جدید بیشترین تأثیر را بر تحولات اداری، فرهنگی و اجتماعی لرستان داشت. زیرا این مدارس دانش‌آموزان را به‌عنوان مبلغان برنامه‌های دولت تربیت می‌کرد. تحصیل‌کنندگان این مدارس بیشترین تأثیر را برای مستحکم‌نمودن پیوندهای اجتماعی و ملی بین عشایر و بدنه ملی مورد نظر حکومت مرکزی داشتند و بسیاری از آن‌ها بعدها مصدر امور اداری بسیاری در لرستان شدند. در مواردی نیز کارکنان این ادارات برای پیشبرد برنامه‌های دولت (مانند کشف حجاب) پیشقدم بودند و اجرای این‌گونه برنامه‌ها را تسهیل می‌کردند.

از اقدامات مؤثر دولت در مرحله دوم تحولات اداری لرستان واگذاری حاکمیت منطقه به غیرنظامیان بود. حاکمان غیرنظامی با استفاده از تجارب و عقلانیت اداری که داشتند در سرعت‌بخشی به ایجاد ادارات گوناگون و گسترش این ادارات به مناطق مختلف لرستان عملکردی موفق داشتند. از تحولات اداری دیگر در این عصر انتقال مرکز اداری لرستان از بروجرد به خرم‌آباد بود. ادارات

نظام‌نامه قانون ثبت اسناد و املاک (۱۳۱۰). تهران: احمدزاده.

افلاک.

رزم‌آرا، حاجعلی (۱۳۲۲). *جغرافیای نظامی ایران (لرستان)*، تهران: سازمان انتشارات ارتش.

نظام‌نامه قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (۱۳۲۸ق). تهران: مطبعه دولتی.

_____ (۱۳۹۳). *خاطرات و اسناد*، به کوشش کامبیز رزم‌آرا و کاوه بیات، تهران: پردیس دانش.

کتاب

حجتی، ابوالمجد (۱۳۷۷). *عبور از عهد پهلوی در گیر و دار دو فرهنگ*، تهران: محسن.

آبراهامیان، پروانه (۱۳۸۴). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتحی، تهران: نی.

حلاجیان، ابراهیم (۱۳۹۶). «تکوین نظام اداری در تاریخ ایران و بین‌النهرین»، *پژوهش‌نامه تاریخ*، سال دوم، شماره ششم، صص ۴۸-۲۱.

آوری، پیتر (۱۳۷۳). *تاریخ معاصر ایران*، ترجمه محمد رفیعی‌مهرآبادی، تهران: عطایی.

علم، محمدرضا، فرزانه دشتی و بیژن میرزایی (۱۳۹۳). «برنامه تجد و نوسازی ایران در عصر رضاشاه پهلوی»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۸۶-۶۱.

افشار، حسنعلی‌خان (۱۳۸۲). *سفرنامه لرستان و خوزستان*، تصحیح حمیدرضا دالوند، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

عیدی، حمید (۱۳۸۷). *یادگار عمر؛ خاطراتی از خرم‌آباد قدیم*، خرم‌آباد: افلاک.

امیراحمدی، احمد (۱۳۷۳). *اسناد نخستین سپهبد ایران*، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.

غنی، سیروس (۱۳۷۷). *برآمدن رضاخان؛ برافتادن قاجارها و نقش انگلیسی‌ها*، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نیلوفر.

_____ (۱۳۷۳). *خاطرات نخستین سپهبد ایران*، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.

غضنفری‌امری، اسفندیار (۱۳۹۳). *تاریخ غضنفری*، به اهتمام اسعد غضنفری و عبدالله ستوده، جلد دوم، خرم‌آباد: شاپورخواست.

ایزدپناه، حمید (۱۳۷۶). *تاریخ جغرافیایی و اجتماعی لرستان*، ج ۱، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۹). *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، تهران: مرکز.

بیات، عزیزالله (۱۳۸۷). *کلیات جغرافیای طبیعی ایران*، تهران: امیرکبیر.

کسرای، محمدسالار (۱۳۷۹). *چالش سنت و مدرنیته در ایران؛ از مشروطه تا ۱۳۲۰ش*، تهران: مرکز.

نقی‌بیرانوند، روح‌الله (۱۳۸۸). *اوضاع سیاسی اجتماعی لرستان در دوره رضاشاه (۱۳۰۴ تا ۱۳۳۰ه.ش)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: فروزان ادیب فر، دانشگاه پیام‌نور استان تهران، مرکز پیام‌نور تهران.

قاسمی، فرید (۱۳۷۹-۱۳۷۸). *خرم‌آبادشناسی*، جلدی، خرم‌آباد: افلاک.

تنکابنی، حمید (۱۳۹۲). «تحلیلی از وضعیت تشکیلات اداری و موانع تحول آن در ایران عصر مشروطیت»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال چهارم، شماره اول، صص ۸۷-۵۹.

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۰). «تحول اداری و نوسازی سیاسی»، *فرآیند مدیریت و توسعه*، دوره جدید، شماره پانزدهم، صص ۱۸-۵.

دالوند، حمیدرضا (۱۳۸۵). *انقلاب اسلامی در لرستان*، جلد اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مرکز پژوهش‌های مجلس، *لوح حق*، بهار ۱۳۸۷.

دریگوندی، زهرا (۱۳۹۹). *سیاست‌های پهلوی اول در قبال قوم لر (مطالعه موردی لرهای بیرانوند)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد بختیاری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

و اعظ شهرستانی، نفیسه (۱۳۸۸). *سیاست عشایری دولت پهلوی اول*، تهران: تاریخ ایران.

دوبد، بارن (۱۳۸۸). *سفرنامه لرستان و خوزستان*، مترجم حسین آریا، تهران: بی‌نا.

واعظ شهرستانی، نفیسه (۱۳۸۸). «نهادهای و شیوه‌های خط‌مشی‌گذاری در دولت پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴ه.ش)»، *پژوهش‌های تاریخی*، دوره جدید، شماره ۴، صص ۱۳۰-۱۰۹.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.

نرم‌افزار مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (۱۳۹۱). *کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی*، نگارش سوم، مجلس دوم، جلسه ۳۱۵.

رشیدیان، هدایت‌اله (۱۳۸۱). *خرم‌آباد در گذر جغرافیای انسانی*، خرم‌آباد: نشر نعمتی، محمدعلی (۱۳۹۷). *لرستان در عصر رضاشاه*، اردیبهشت جانان: خرم‌آباد.

نعمتی، محمدعلی (۱۳۹۷). *لرستان در عصر رضاشاه*، اردیبهشت جانان: خرم‌آباد.